

عبادت‌ی رنگین

گسترش تنوع دینی در شهرهای آلمان

تویاس آسموت

پریسا رضایی

در برلین هر دو کلیسای ملی از چندین دهه پیش در حال عقب‌گردی طولانی هستند. این روزها هم آنها گله کوچکشان را به زحمت گردهم می‌آورند، اما دیگر فاقد قوایی تاثیرگذار در جامعه هستند. مردم این روزها بنا به نیازهایشان به دین شخصی خود می‌پردازند. میسائیل واینریش، الهیات‌شناس از دانشگاه آزاد برلین می‌گوید: "در برلین یک دیانت وصله پینه شده پدید آمده است."

به نظر می‌رسد که در جامعه مدنی فرامردن، یک جهان‌بینی مسیحی قاطعانه دیگر جذابیتی ندارد. مردم تعمید یافته‌اند، اما از مغازه‌های فروش اشیاء مربوط به علوم غریبه خرید می‌کنند، از تعالیم کابالا (قباله) تاثیر می‌گیرند و یا به سخنان راهب‌های بودایی گوش می‌دهند.

اما در تعالیم کلیسایی دیگر از رستخیز که هر روز تعداد بیشتری از جوانان به آن ایمان می‌یابند، خبری نیست.

از کلیسای حواریون تا دیانت زرتشتی

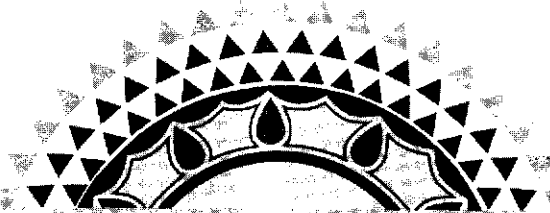
در قبال اهمیت رو به کاهش کلیساها، یک تنوع دینی روزافزون قرار دارد. اشتفان راده‌ماخر، کارشناس علوم دینی، می‌گوید: "در برلین فرش ایمان را بسیار شل و رنگارنگ یافته‌اند. تقریباً ۴۰۰ جماعت دینی گوناگون در این شهر وجود دارد." این طیف از کلیسای اوکراینی - یونانی - کاتولیک و کواکری‌های تا انجمن مساجد اسلامی از کشورهای عربی، غلبیون و

قلب ایمانی شهر برلین در محله تمپلدورف قرار دارد. هنگامی که کشیش یاسک پاچوسکی، در حال تقدیس نان مقدس است، هزاران نفر در کلیسای سن یوهانس کاپیستران که عمارتی خاکستری و بتونی از دهه شصت است، تجمع می‌کنند. هجوم افراد چنان سنگین است که مبلغان کاتولیک لهستانی در روزهای یکشنبه سه نماز برگزار می‌کنند. در اینجا بویژه خانواده‌هایی جوان هستند که دعا می‌کنند و به سخنان واعظ لهستانی گوش می‌دهند.

کشیش پاچوسکی با لحنی شاد می‌گوید: "کلیسای ما زنده است" او از این امر سپاسگذار است. او می‌داند که عبادتگاه مملو از جمعیت او عطیه‌ای خاص است. زیرا برلین شهری غیرمسیحی است. هرساله تعداد کسانی که از کلیسا خارج می‌شوند، به رکود جدیدی می‌رسد، مجامع کشیشان بنا به مضیقه‌های مالی کوچک‌تر می‌شوند. بناهای کلیساها به فروش گذاشته می‌شود و بخش شرقی شهر هم خودبه‌خود از جنبه دینی به یک زمین بایر می‌ماند که در آن - مانند آنچه در زمان آلمان شرقی حاکم بود - جشن‌های غیرمذهبی رونق دارد.

ایمان، عشق، امید

در جمهوری وایمار هم مقامات کلیسایی نسبت به ایجاد یک "بابل گناهکار خدانشناس" هشدار می‌دادند. اما هشدارهای مقامات بیهوده بود.



معابد بودایی و تا چند عضو از ادیان طایفه‌ای آفریقایی را شامل می‌شود. اما در برلین زرتشتیان و تبتی‌ها هم عبادت می‌کنند، چند خانمی به مدرسه جادوگری می‌روند یا در مجمع کافران در ودینگ همدیگر را در نزد پیشگویان که در اعتقادات مردم ریشه عمیقی دارند، ملاقات می‌کنند.

در این تنوع ایمانی، این حقیقت بازتاب می‌یابد که آلمان از چندین دهه گذشته، کشوری مهاجرتی است. در عین حال، مجامع دینی برای تازه واردان نقشی عمده ایفا می‌کنند و پناهگاهی در مقابل محیطی بیگانه و همچنین میعادگاهی برای تبادل اطلاعات هستند. بر تخته سیاهی در کلیسای سن یوهانس کاپیستران در کنار آگهی‌های کار و فرصت‌هایی برای همسفر شدن در سفر به ورشو یا برسلاو، آگهی‌های مربوط به آپارتمان هم وجود دارد.

گستره ایمان تا به کجاست؟

زندگی در یک جامعه موازی دینی، شروع زندگی در یک کشور جدید را سهولت می‌بخشد. اما استقلال، مشکلاتی هم می‌آفریند، زیرا دین به معنای ایمان به یک حقیقت هم هست. فرد ایماندار با خدا مذاکره نمی‌کند، نه درباره کار در روز یکشنبه و نه درباره روسری.

با عبارات ایمانی به درستی نمی‌توان به تفاهم‌هایی رسید. جماعت پراکنده مسلمانان که از لحاظ گروه‌های مهاجر بیشترین تعداد عضو را دارد، از دهه‌ها پیش موفق نشده است در این شهر نماینده‌ای واحد داشته باشد. چه در مساله تدریس علوم دینی در مدارس و چه درباره ساخت مساجد در محله کرویتسبرگ، جماعات اسلامی در سطح ملی نمی‌توانند به توافقی واحد دست یابند.

همزمان این تفاهم در زمانه‌ای که در آن درباره تسامح بسیار در مقابل یک اسلام جزمی صحبت می‌شود، بسیار ضروری است. راده مآخر می‌گوید: "حتی برای مسلمانان غیرمذهبی هم نوعی شورای مرکزی، به معنای نشانه‌ای از جذب و ادغام شدن در جامعه است" در این امر شکی نیست که ایمان تنها برای تازه مهاجران مهم است. یک نسل بعد، بسیاری از جوانان دیگر مایل نیستند کاری به والدین خود داشته باشند. تقریباً شصت درصد از جوانان ترک برلین، افرادی غیرمذهبی هستند و با گرایش‌های غیردینی تطابق یافته‌اند. در محله تمپلدورف، کشیش یاسک پاچوسکی از این موضوع نگران نیست. او می‌گوید: "وقتی به برلین می‌روی، به لهستانی به تو می‌گویند: به سن یوهانس کاپیستران برو."

آیت‌الله سیستانی از سوی مسیحیان عراق کاندید دریافت جایزه صلح نوبل شد

اعضای جامعه مسیحیان عراقی شهر ال کاجون، سان دیه گو که جزء کوچکی از اقلیت‌های مسیحی عراق به شمار می‌روند، درخواست اینترنتی خود را برای کاندید شدن آیت‌الله علی سیستانی برای جایزه صلح نوبل آغاز کرده‌اند.

به گزارش سی.ان.ان، بیش از ۶ هزار نفر از سراسر جهان این درخواست اینترنتی را امضا کرده و حمایت خود را از این روحانی برجسته شیعه اعلام کرده‌اند.

در این درخواست اینترنتی آمده است: آیت‌الله سیستانی به تمام مسلمانان جهان نمونه خوبی از چگونگی در پیش گرفتن یک راه صلح‌آمیز را برای حل مسائل پیچیده اجتماعی و چالش‌های پیش رو ارائه کرده است، وی ترور را محکوم کرده و بر قانون تساوی افراد در برابر قانون و قابل رسیدگی بودن اعمال مأموران دولت در محاکم عمومی تاکید کرده است.

آیت‌الله سیستانی بانفوذترین روحانی شیعه در عراق است. وی همچنین در این کشور نماد مرجعیت شیعه به شمار می‌رود.

هانا کالابات، یکی از نویسندگان این درخواست در گفت‌وگو با خبرنگاران گفت: ما کلدانی هستیم، اما بخشی از مردم عراق نیز هستیم. ما از هر کس که بدون توجه به دین و قومیت به کشور خدمت می‌کند، حمایت می‌کنیم. من یک انسان هستم و به انسانیت وفادار هستم.

وی افزود: پس از این که عراق به اشغال نیروهای امریکایی درآمد، مشکلات میان سنی‌ها و شیعیان و همچنین میان شیعیان به وجود آمد، اما ما مرد حکیم و دانشمندی داشتیم که از خوبروی‌تری جلوگیری کرد و ما را از شر جنگ داخلی رهایی بخشید. این امر دلیل اصلی درخواست کاندید شدن وی برای جایزه صلح نوبل است.

آیت‌الله سیستانی به عنوان رهبر معنوی در نظر گرفته می‌شود که از خانه خود در شهر مقدس نجف شیعیان را هدایت می‌کند. وی همچنین سایت اینترنتی‌ای دارد که به پرسش‌های دینی به سه زبان انگلیسی، عربی و فارسی پاسخ می‌دهد.

کالابات می‌گوید: نقش وی در ترویج صلح تنها به عراق محدود نمی‌شود، باید نقش او را بین‌المللی در نظر گرفت.

وی افزود: آیت‌الله سیستانی دارای آثاری است که صلح را ترویج کرده و ما تصمیم داریم این مجموعه آثار را جمع‌آوری کنیم تا از درخواست خود حمایت کرده باشیم. ما معتقدیم وی شایسته دریافت جایزه صلح نوبل است و امیدواریم این رویا محقق شود.